

امیر خراسان (شهادت امام رضا علیه السلام)

پدیدآورنده: فاطمه محمدی

پرواز در غربت

امام رضا علیه السلام در روز جمعه، آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ هـ. ق در ۵۵

سالگی به شهادت رسید. پس از شهادت حضرت، برای سرپوش گذاشتن بر

جنایت مأمون، عامل شهادت حضرت را بیماری یا عوامل دیگر معرفی کردند،

ولی با توجه به شواهد، مأمون عامل اصلی شهادت امام بوده است. علامه

مجلسی می نویسد: «حق همان است که بزرگان بدان باور دارند که حضرت

رضا علیه السلام به وسیله سم مأمون - که نفرین خدا بر او و دیگر غاصبان و

ستمگران باد - شهید شده است». علامه سیدمحسن امین نیز می نویسد: «نظر من

این است که هر چند امام هنگام ورود به طوس، کسالتی داشتند، ولی خلیفه از

این فرصت بهره جست و امام را مسموم کرد؛ چه اینکه خلیفه با انعکاس خبر

ولایت‌عهدی حضرت در بغداد، و بیعت بغدادیان با ابراهیم فرزند مهدی، دریافت

که حکومت در شرایط خاصی قرار گرفته است و با وجود فضل بن سهل و

حضرت رضا علیه‌السلام، امیدی به بهبودی اوضاع نیست. از این رو فضل را

کشت و امام را مسموم کرد.»»

نقشه‌های شیطان

از اباصلت، یار نزدیک امام رضا علیه‌السلام پرسیدند: چگونه مأمون به قتل امام

تن داد، با اینکه وی را احترام می‌کرد و او را ولیعهد خود قرار داد. اباصلت

می‌گوید: «: خلیفه، امام را احترام می‌کرد، چون به برتری او آگاه بود. پیشنهاد

ولایت‌عهدی هم برای آن بود تا با این عمل وانمود کند حضرت دنیاطلب است

و مردم به حضرت توجه نکنند. البته چنین نشد و با تشکیل محافل علمی، چهره

امام و شخصیت علمی او بر همگان روشن گردید و از موقعیت خلیفه کاسته شد

تا جایی که دوست و دشمن، حضرت را شایسته خلافت می‌دانست. این امر بر

خلیفه گران آمد و بر حضرت کینه و حسادت ورزید و به ناچار امام را مسموم

کرد و به شهادت رساند.»

خبر از شهادت

درباره شهادت امام رضا علیه‌السلام با سمّ در شهر طوس، افزون بر روایاتی که

از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام صادق علیه‌السلام به ما رسیده است،

خود حضرت نیز در چندین مورد از شهادتش با سم خبر داده بود. در روایتی از

آن حضرت آمده است: «به خدا سوگند هیچ یک از ما نیست جز اینکه به

شهادت رسیده است». به ایشان گفته شد: عامل قتل شما چه کسی خواهد بود؟

امام فرمود: «بدترین مردم زمانم، مرا با سم می‌کشد». همچنین حضرت پیش از

پذیرفتن اجباری ولایت‌عهدی به مأمون فرمود: «من قبل از تو (ای مأمون) به

وسیله سم و مظلومانه به شهادت خواهم رسید و فرشتگان آسمان و زمین بر من

می‌گریند و در سرزمین غربت دفن می‌شوم... البته اگر بخواهم، می‌توانم قاتل

خود را معرفی کنم». امام رضا علیه‌السلام آخرین بار، اندکی قبل از شهادت به

هَرَثَمَه فرمود: «اینک هنگام بازگشت من به سوی خدا فرا رسیده است و زمان

آن است که به جدّم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پدرانم پیوندم. طومار

زندگی‌ام به انجام رسیده است. این طغیانگر (مأمون) تصمیم گرفته مرا با انگور

و انارِ مسموم، به قتل رساند.»

شاعران در سوگ

شهادت امام رضا علیه‌السلام به دست مأمون، مظلومیتی بود که به تاریخ شیعه و

اهل بیت علیهم‌السلام افزوده شد و بیت دیگری بود که بر قصیده شاعران آزاده و

حقیقت‌طلب افزون گشت و در ادبیات حماسی انعکاس یافت. ابونواس در

قصیده‌ای چنین سرود: برخی از آنها پس از بیعت با حضرت رضا علیه‌السلام به

کشتن وی شتاب کردند و بعد از بصیرت و آگاهی کور دل شدند؛ آن گروهی که

پس از خوش‌بختی به تیره‌بختی گرایید؛ و آن جماعتی که پس از سلامتی و

نجات، نابود گردید». دعبل خزاعی نیز شهادت امام را در اشعار سوزناک خود

چنین بازتاب داده است: «چه شده است که دیدگان، نم نم می بارند و می گریند؛

در حالی که اگر آب دیده تمام شود و چشمان بخشکند، باز هم کم است. در

مصیبت کسی که زمین بر او گریست و کوه‌های بلند و سر به فلک کشیده، در

سوگ او به ناله و فغان آمد و عزادار شدند. ما به از دست دادن سبط پیامبر

صلی الله علیه و آله وسلم مصیبت دیده‌ایم؛ مصیبتی که بر اهل دنیا سنگین بود. دیگر

پس از فقدان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در دنیا و زندگی آن خیری

نیست، دنیا دیگر جایگاه خوشی ندارد و آرزوی ماندن در ما نیست.»

شاعر حماسه‌سر

نام دَعْبِل خزاعی و اشعار پر حماسه وی برای شیعه آشناست؛ او که اندیشه ناب

تشیع را در گلوآژه اشعارش به نسیم خاطره‌ها می‌سپرد تا اقصی نقاط سرزمین

اسلامی، از یاد و نام خاندان عترت و طهارت، شمیم محبت و ولایت به خود

گیرد. یکی از شکوهمندترین مناظری که این شاعر فرهیخته در نمای اشعار،

خوش‌آفریده، قصیده‌ای است معروف به تائیه که در مدح اهل بیت از نیکوترین

شعرها و مدایح بلند است. وی سروده‌اش را در محضر امام رضا علیه‌السلام

خواند و آن حضرت را به شدت تحت‌تأثیر قرار داد. دَعْبِل در آن مجموعه

حماسی، از بی‌مهری زمانه و مدارس دور مانده از مدرّسان وحی آغاز می‌کند و

به شرح زندگی یک‌ایک امامان می‌پردازد. گویند وی قصیده‌اش را در پارچه‌ای

نوشت و آن را لباسِ احرامِ حج خود قرار داد و وصیت کرد جزئی از کفنش

باشد.

واگویی زمانه

روزی دعبل خزاعی در مرو خدمت امام رضا علیه السلام رسید و عرض کرد:

قصیده‌ای در مدح شما سروده‌ام و قسم یاد کرده‌ام پیش از شما آن را برای کسی

نخوانم. امام اجازه فرمود آن را بخواند. دعبل قصیده‌اش را خواند که بیش از

۱۲۰ بیت داشت. ترجمه بیت اول آن که در وصف اهل بیت علیهم السلام سروده،

چنین است: «محل تدریس آیات الهی که اکنون از تلاوت آیات برکنار مانده و

محل نزول وحی پروردگار که از فعالیت بازمانده است.» «هنگامی که دعبل به

این بیت رسید: «غنیمتی که مال ایشان (امامان) است در دست دیگران می بینم

که بین خود قسمت می کنند، در حالی که دست آن بزرگواران از آن غنیمت

خالی است»، حضرت رضا علیه السلام به گریه افتاد و فرمود: «راست گفתי ای

خزاعی.»»

دعا برای شاعر

شاعر پرشور شیعه، دَعِبِلِ خِزَاعِی، هنگامی که در محضر امام رضا علیه السلام

قصیده «مدارس آیات» را در وصف امامان می خواند، همین که به این بیت

رسید: «هنگامی که به آنان ستم شود، به ستمگر خود دست انتقام دراز نمی کنند،

بلکه بدی را با نیکی پاسخ می دهند و دستشان از انتقام خالی است»، حضرت

رضا علیه‌السلام پشت و روی دستان مبارک خود را نشان داد و فرمود: «آری

به خدا قسم خالی است». نیز هنگامی که به این بیت رسید: «هر آینه در دنیا

زندگی من آمیخته با ترس و وحشت بود، ولی امیدوارم پس از مرگم از امن و

امان برخوردار باشم»، حضرت رضا علیه‌السلام فرمود: «خدای بزرگ تو را

امان دهد و ایمن گرداند روزی که هراس آن بسیار است.»»

قبری در طوس

دعبل خزاعی در محضر امام رضا علیه‌السلام قصیده تائیه یا مدارس آیات را

می‌خواند تا اینکه به بیت زیر رسید: «قبری از شما (امامان) در بغداد (قبر امام

کاظم علیه‌السلام در کاظمین نزدیک بغداد) برای آن وجود پاک است و غرفه‌ای

از غرفه‌های بهشت او را در برگرفته است». امام رضا علیه‌السلام به او فرمود:

«آیا اجازه می‌دهی به این قسمت از قصیده‌ات دو بیت اضافه کنم؟» و بعد ادامه

داد: «و قبری در طوس است که برای آن مصیبت‌هایی است که تا روز قیامت

آتش از دل‌های سوخته، شعله‌ور خواهد نمود تا آنکه قیام کننده و منتقم ما را

برانگیزاند و غصه‌ها و اندوه ما را برطرف سازد.» دعبل عرض کرد: من قبری از

خاندان شما در طوس نمی‌شناسم، اینکه فرمودید قبر کیست؟ حضرت فرمود:

«آن قبر من است؛ روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد که طوس محل رفت و آمد

شیعیان و زائران من می‌شود. بدانید هر کس مرا در شهر طوس و در آن دیار

غربت زیارت کند، فردای قیامت با من و در درجه من خواهد بود، در حالی که

گناهانش آمرزیده شده است.»»

لباس متبرک

دعبل خزاعی، شاعر شناخته شده اهل بیت علیهم السلام خدمت امام هشتم شعری

خواند و آن حضرت را منقلب کرد. پس از شعرخوانی، امام از جا برخاست و

به دعبل فرمود: «جایی نرو» و خود به اندرون خانه رفت. پس از مدتی، صد

دینار به وسیله خادم برای او هدیه فرستاد و پیغام داد: «این مبلغ را خرجی

خودت قرار ده». دعبل به خادم گفت: «به خدا سوگند من برای دینار اینجا

نیامده‌ام و این قصیده را نگفتم که دیناری به من برسد». سپس دینارها را

برگرداند و پیراهنی از حضرت درخواست کرد تا بدین سبب، برکت و شرافت

کسب کند. حضرت لباس بلندی از پشم نرم و نازک به همراه آن دینارها برایش

فرستاد و به خادم فرمود: «به او بگو این دینارها را بگیر؛ زیرا روزی به آنها نیاز

پیدا خواهی کرد و دوباره آن را برنگردان.»»

هدایای پربرکت

دعبل خزاعی، شاعر عصر امام رضا علیه السلام، پس از ملاقات با آن حضرت،

همراه با هدایای متبرکی به سرزمین خود بازگشت. در آنجا مشاهده کرد که

خانه‌اش غارت شده است و همه اموالش را دزدیده‌اند. وقتی چنین دید، صد

دینار متبرکی را که امام رضا علیه السلام به او هدیه داده بود فروخت. شیعیان،

هر دینار را به صد درهم خریدند و او صاحب ده هزار درهم شد. دعبل فرمایش

امام رضا علیه السلام را به خاطر آورد که فرموده بود: «به این دینارها احتیاج

پیدا می‌کنی.»»

وی خادمی داشت که بسیار به او علاقه‌مند بود. روزی به چشم درد مبتلا شد.

وقتی پزشک چشمش را معاینه کرد، گفت که چشم راست او چاره‌ای ندارد و از

دست رفته است، ولی چشم چپش را معالجه می‌کنم. دعبل بسیار اندوهناک شد.

در این حال به یادش آمد که پاره‌ای از لباس متبرک امام رضا علیه السلام را،

همراه دارد. آن را به نیت شفا به چشم خادم مالید. صبح فردا به برکت امام رضا

علیه السلام، چشم او سالم‌تر از قبل شده بود.

مباحث اعتقادی از منظر امام رضا علیه السلام

برهان قاطع

امام رضا علیه السلام در هر زمان آماده پاسخ‌گویی به پرسش‌های همگان و

مناظره با منکران خدا بود. گروهی در خدمت آن حضرت بودند که فردی منکر

دین نزد آنان آمد. حضرت به او فرمود: «اگر سخن شما درست باشد - که

نیست - در این صورت، ما و شما یکسان نیستیم و نماز و روزه و زکات و

ایمان ما زیانی به ما نمی‌رساند». در این هنگام زندیق خاموش ماند. سپس امام

رضا علیه السلام فرمود: اگر سخن ما درست باشد - که هست - آیا شما به

هلاکت در نیفتاده‌اید و ما نجات نیافته‌ایم؟»

دلیل وجود فدا

زندیقی از پیشوای هشتم امام رضا علیه‌السلام پرسید: دلیل وجود خدا چیست؟

حضرت فرمود: «من وقتی به کالبد خود نگریستم و دیدم نمی‌توانم در قد و

پهنای آن کم و زیاد کنم و بدی‌ها را از آن دور سازم و سود و منفعتی به آن

برسانم، دریافتم که این ساختمان را سازنده‌ای است. پس به وجود او اقرار

کردم. افزون بر این، از مشاهده چرخش فلک به قدرت او و پدید آوردن ابرها و

به حرکت درآوردن باده‌ها و حرکت خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه‌های

متقنِ شگفت‌آور پی بردم که این همه را پدید آورنده‌ای است.»»

آزمون فدا

آزمون در جایی است که امتحان گیرنده، از وضعیت امتحان شونده آگاهی

نداشته باشد. از این رو، خدای متعالی که به همه نکات زندگی انسان‌ها داناست،

به چنین امتحانی نیاز ندارد؛ بلکه آزمون دنیوی، برای رشد انسان‌ها و آگاهی

بشر از وضعیت خود و کسب درجات برتر است. امام علی بن موسی الرضا

علیه‌السلام در تفسیر آیه «تا شما را بیازماید که کدام یک نکوکارترید». فرمود:

«خدای عزوجل بندگان خود را آفرید تا به وسیله نهادن طاعت و عبادت خود

بر دوش آنان، ایشان را بیازماید و این کار را از باب امتحان و تجربه (برای

خود) نکرد؛ زیرا او همواره به همه چیز آگاه است.»»

نکته‌های اخلاقی از دیدگاه امام رضا علیه‌السلام

توبه؛ زیباترین پوزش

توبه، موجب بخشایش بسیاری از گناهان می‌شود. روزی امام رضا علیه‌السلام

شنید که یکی از یارانش می‌گوید: خدا لعنت کند کسی را که با حضرت علی

علیه‌السلام جنگید. امام فرمود: «بگو به جز آنان که توبه کردند و اصلاح شدند»

و آن‌گاه ادامه داد: «گناه کسی که از آن حضرت کناره گرفت و توبه نکرد،

بزرگ‌تر از گناه کسی است که با او جنگید ولی بعد توبه کرد.»

ویژگی بفشنده

روزی امام رضا علیه‌السلام در حال طواف بود. شخصی از ایشان پرسید:

بخشنده کیست؟ حضرت فرمود: «سخن تو دو صورت دارد: اگر از مخلوق

می‌پرسی، بخشنده کسی است که آنچه را خدا بر او واجب کرده پردازد، و بخیل

کسی است که از پرداختن آنچه خدا بر او فرض کرده دریغ ورزد؛ ولی اگر

منظورت خالق است؛ او بخشنده است، چه عطا کند و چه نکند؛ زیرا اگر به

بنده‌ای ببخشد، به او چیزی داده که از آن او نیست و اگر نبخشد، چیزی را از او

دریغ داشته که از آن او نیست.»»

شعری از حضرت

امام رضا علیه‌السلام گاهی موعظه‌های خود را با زبان شعر بیان می‌کرد. ترجمه

یکی از اشعار آن حضرت چنین است: «با عفت و پاک‌دامنی لباس بی‌نیازی

پوشیدم و سرافراز در میان مردم راه می‌روم. هرگز با آدم‌نماها انس و الفت

نمی‌گیرم، ولی با آنان که در حقیقت آدم هستند مانوس می‌شوم. هنگامی که

غرور و تکبر از صاحب ثروت دیدی، با اظهار نکردن نیاز نزد او تکبر کن و

غرور او را بشکن. بر آن کس که نادر است هرگز فخر نکردم و هرگز نزد

ثروتمندان فروتنی ننمودم.»»

پاسخ نامه

پس از شهادت امام کاظم علیه‌السلام برخی از نمایندگان آن حضرت برای حفظ

اموال امام نزد خود، چنین وانمود کردند که ایشان همان منجی موعود است و

عمری طولانی دارد. در نتیجه، امامت حضرت رضا علیه‌السلام را نپذیرفتند و به

«واقفیه» شهرت یافتند. مردی از آنان، مسائل مشکلی را در طوماری گردآوری

کرد و با خود گفت اگر حضرت رضا علیه‌السلام معانی اینها را بدانند، امام و

فرمانرواست. پس همین که در خانه حضرت رضا علیه‌السلام رسید، خادم امام

در حالی که ورقه‌ای در دست داشت و در آن پاسخ مسائل او به خط امام

علیه‌السلام بود، نزدش آمد و گفت: آن طومار کجاست؟ او طومار را بیرون

آورد. خادم به او گفت: ولیّ خدا می‌فرماید: «این جواب مسائل این طومار

است.»»

همیشه در محضر یار

یکی از یاران امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: هنگامی که با آن حضرت نزدیک

دیوارهای شهر طوس رسیدیم، نگاهمان به جنازه‌ای افتاد. سرورم حضرت رضا

علیه‌السلام طرف جنازه رفت و آن را دربرگرفت و به من فرمود: «هر کس

جنازه دوستی از دوستان ما را تشییع کند، از گناهان خود خارج می‌شود.» چون

جنازه را کنار قبر نهادند، ایشان دست مبارک خود را بر روی سینه او نهاد و

فرمود: «تو را به بهشت بشارت باد و بعد از این ساعت، دیگر هراسی نخواهی

داشت.» من به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! آیا این مرد را می‌شناسید؟

این سرزمینی است که پیش‌تر در آن قدم نگذاشته‌اید. امام فرمود: «ای موسی!

آیا نمی‌دانی اعمال شیعیان هر صبح و شام به ما عرضه می‌شود؟ اگر در اعمال

آنها تقصیری مشاهده کنیم، از خدا برای آنان بخشایش می‌طلبیم و اگر اعمال

نیکو در آن ثبت شده باشد، توفیقات بیشتر و شکر الهی را برای آن نیکوکار

تقاضا می‌کنیم.»»

همراه با اهل بیت علیهم السلام

امام رضا علیه السلام فرمود: «کسی که مصیبت‌های ما را به یاد آورد و به دلیل

ظلمی که به ما شده، گریه کند، فردای قیامت با ما و درجه ما خواهد بود، و

کسی که مصیبت‌های ما را یادآوری کند و بگرید و بگریاند، چشمان او روزی

که همه چشم‌ها می‌گیرند، گریان نخواهد بود، و کسی که در مجلسی که امر ما

زنده می‌شود بنشیند، در روزی که دل‌ها می‌میرند دل او زنده خواهد بود.»»

ستودگان قرآنی

یکی از یاران امام رضا علیه السلام می‌گوید: در نامه‌ای به مولایم حضرت رضا

علیه السلام چنین نوشتم: جانم به قربانت! منظور از صالحان و شایستگانی که در

قرآن آمده و حضرت ابراهیم آرزوی پیوستن بدان‌ها را داشت، چه کسانی

هستند؟ حضرت پاسخ داد: «آن صالحان و شایستگان، ما اهل بیت هستیم.»»

پاسخ‌های آسمانی

ابی نصر بزنطی می‌گوید: من در امامت امام رضا علیه‌السلام تردید داشتم. نامه‌ای

به محضرش نوشتم و از ایشان اجازه خواستم خدمتش برسم. می‌خواستم وقت

ملاقات، از سه آیه‌ای بپرسیم که فهم آنها برای من مشکل بود. در این حال،

پاسخ حضرت به دستم رسید که در آن نوشته بود: «خدا ما و تو را کفایت کند.

هم‌اکنون ملاقات ما مشکل است؛ چرا که اینان (حکومت عباسیان) برای من

بسیار سخت گرفته‌اند و تو نمی‌توانی نزد من بیایی، ولی به زودی - ان شاء الله

– خواهی آمد». حضرت در ادامه نامه، پاسخ سه پرسش مرا درباره آیات قرآن

نوشته بود. در صورتی که هیچ‌کدام را در نامه خود ننوشته بودم. من از این امر

شگفت‌زده شدم و به امامت او آگاه گشتم.

پایان تردیده

ابن یحیی می‌گوید: وقتی امام کاظم علیه‌السلام به شهادت رسید؛ برخی از مردم

در امامت آن حضرت توقف کردند و امامت امام رضا علیه‌السلام را پذیرفتند.

من همان سال به حج مشرف شدم. امام رضا علیه‌السلام را دیدم. در دلم آیه زیر

خطور کرد: «آیا ما از بشری مانند خود پیروی کنیم؟» آن حضرت از کنار من

عبور کرد و فرمود: «من همان بشری هستم که بر تو واجب است از او پیروی

کنی». عرض کردم: مولای من! از خدای متعالی و از محضر شما پوزش

می‌طلبم. حضرت فرمود: «عذر تو پذیرفته است ان شاء الله تعالی.»»

حقوق مؤمنان بر یکدیگر

امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از حق مؤمن بر مؤمن فرمود: «از جمله

حقوق مؤمن بر مؤمن این است که در دل او را دوست داشته باشد، با مال و

ثروت یاری‌اش کند و به او اُفّ نگوید که اگر چنین بگوید، دیگر میان آنها پیوند

دوستی نیست. نیز اگر بگوید تو دشمن من هستی، یکی از آن دو، یار خود را

کافر شمرده است. همچنین هرگاه به او تهمت زنی، ایمان در دلش آب شود؛

همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود.»»

سفارش به آراستگی

روایات اسلامی، آراستگی و تمیز بودن را از وظایف مؤمنان دانسته‌اند. پیغمبر

اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کسانی که به سر وضع خود رسیدگی نمی‌کردند،

تذکر می‌داد که از نعمت‌های خدا بهره‌برند. امام رضا علیه‌السلام نیز فرموده

است: «خدای تبارک و تعالی زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و

فقرنمایی را دشمن می‌دارد. خدای عزوجل از مردانِ پلشتِ بداخلاق نفرت

دارد.»»

کوثر رضوی

هر کس برای خدا برادری به دست آورد، خانه‌ای در بهشت به دست آورده

است.

خرد هدیه‌ای الهی است و تربیت با کوشش به دست می‌آید. پس کسی که برای

کسب ادب بکوشد، آن را به چنگ آورد.

هر گاه خدای بزرگ بنده‌ای را برای (ادراه) امور بندگانش برگزیند، برای این امر

به او شرح صدر عطا کند، چشمه‌های حکمت را در دلش جاری سازد و به او

علم و دانش الهام فرماید که از آن پس از هیچ پاسخی در نماند و در یافتن راه

درست سرگشته نشود.

به درستی که گشایش پس از نومیدی می‌آید.

ایمان، پیمان قلب، اقرار زبان و عمل با اعضاء و جوارح است.

بخل، آبرو را بر باد می دهد.

یک دعای پنهانی بنده، برابر با هفتاد دعای آشکار است.

کار نیک پنهانی، برابر با هفتاد کار نیک است و کسی که آشکارا گناه می کند،

خوار می شود و یاوری نخواهد داشت.

کسی که بخواهد دوراندیشی کند ولی محتاط و برحذر نباشد، خود را مسخره

کرده است.

مؤمن کسی است که چون کار خوب انجام دهد، شادمان شود و هرگاه بدی کند،

آمرزش بخواهد.

هر مؤمنی که برای مردان و زنان مؤمن و مسلمان، زنده یا مرده دعا کند، خدای

متعالی به شماره همه مردان و زنان مؤمن، از زمان حضرت آدم علیه السلام تا

روز قیامت برای او نیکی می نویسد.

بیماری برای مؤمن پاک کننده و رحمت و برای کافر عذاب و لعن و نفرین است.

به درستی که بیماری آن قدر با مؤمن خواهد بود تا از همه گناهان پاک شود.

هر کس کاری را از راهش بجوید، نلغزد و اگر هم لغزید، چاره اندیشی به کمکش

می آید.

والسلام./